

واکاوی اعجاز قرآن کریم با تمرکز بر اعجاز تشریحی آیات

محمد مهدی کریمی نیا^۱، مجتبی انصاری مقدم^۲

^۱ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۲ دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

چکیده

قرآن کریم آخرین و معتبرترین کتاب الهی خدای سبحان و مهمترین منبع برای استخراج قوانین الهی برای انسانها است. این کتاب به خاطر آنکه از تحریف دور مانده است، امتیازات مختلفی دارد. یکی از امتیازات این کتاب الهی، اعجاز آن در ابعاد مختلف است. یعنی خداوند چیزهایی را در این کتاب آورده که انسانها از آوردن آن ناتوان باشد، پژوهش حاضر با تمرکز بر اعجاز تشریحی به مقوله اعجاز می پردازد؛ تشریح از ماده «شرع» به معنای نشان دادن راه مادی یا معنوی است؛ از این رو، بر احکام و قوانینی که راهنما و طریق معنوی انسان برای زندگی او هستند نیز تشریح اطلاق می شود؛ لذا تشریح را به معنای قانون گذاری گرفته اند. قرآن کریم در جهات مختلف تشریحی نکات نابی را یادآور شده است که در این پژوهش به آن خواهیم پرداخت.

واژه های کلیدی: اعجاز، اعجاز تشریحی، قرآن کریم، قوانین، شریعت

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه:

آیین اسلام از نخستین روز، از ویژگی هایی برخوردار بود که هیچ یک از آنها در دیگر آیین های آسمانی دیده نمی شود. اسلام به صورت یک آیین جهانی به بشر عرضه شد و برای نفوذ خود هیچ حدّ و مرز جغرافیایی و نژاد خاصی را نشناخت اسلام ، تنها آیین راز و نیاز، دعا و استغاثه نیست ، بلکه رسالت خود را در متن اجتماع قرار داده و به تمام نقاط و جوانب زندگی بشر چشم انداخته است و درباره همه شؤ ون زندگی او نظر داده و هیچ موضوعی از دایره تشریح آن بیرون نمانده است. عظمت قوانین اسلام در صورتی بخوبی جلوه می کند که بدانیم در روز درخشش ستاره اسلام ، انحطاط فرهنگی و اخلاقی ، سایه شوم خود را بر سر ملت های جهان بخصوص ملت شبه جزیره عربستان افکنده بود و بر مردم این سرزمین جز وحشیگری و قانون جنگل چیز دیگری حکومت نمی کرد. قلوب و افکار آنان به جای توجه به کسب و کار، به یغماگری تمایل داشت و به بهانه های واهی و پوچ ، آتش جنگ میان آنان شعله ور می شد. از هیچ عمل زشتی خودداری نکرده ، باکمال بی رحمی دختران خود را زنده به گور می کردند. قرآن در محیطی نازل شد که نه قاضی و داوری وجود داشت ، نه محکمه و دادگاه ، بلکه گره خصومتها تنها با زور سرنیزه گشوده می شد. در سراسر منطقه حجاز جز چند کاهن که دور از اجتماع می زیستند و گاهی نزاع را با افکار کاهنانه خود حل می کردند، کس دیگری برای حل دعاوی نبود و اگر ستمگر و زورمندی دسترنج روزانه فرد ناتوانی را می گرفت ، هیچ مرجع صالحی نبود که حق او را بازستاند.

۱. مفاهیم:

۱-۱. اعجاز:

اعجاز از ماده "عجز" که در اصل نقیض "حزم" بوده، به معنای محکم بستن طناب (ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۳۶۹) در لغت به معنای ضعف و ناتوانی (فراهیدی، کتاب العین، ج ۱، ص ۲۱۵) درنگ کردن و تأخیر از چیزی (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۴۷) آمده؛ و در اصطلاح دینی به این معناست که، انسان چیزی را بیورد و مخالف از آوردن آن ناتوان باشد (طریحی ، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۴).

۱-۲. تشریح:

تشریح از ماده "شرع" است که معنای آن را مسیر و راه آب (فراهیدی، کتاب العین، ج ۱، ص ۲۵۲) رسیدن و داخل شدن بر آب (ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۱۷۵) و همچنین راه روشن ذکر کرده اند (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۵۰) و در اصطلاح فقهی و قرآنی به معنای نشان دادن راه مادی یا معنوی است (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۴۱) از این رو بر احکام و قوانینی که راهنما و طریق معنوی انسان برای زندگی او هستند نیز تشریح اطلاق می شود؛ لذا تشریح را به معنای قانون گذاری گرفته اند (مهیار، فرهنگ ابجدی عربی - فارسی).

۲. ارتباط معجزه با نبوت:

یکی از راه های شناخت "پیامبر" اعجاز است که برخی از دانشمندان اسلامی تنها راه تشخیص پیامبر صادق را از کاذب معجزه می دانند. مثل علامه طباطبائی، شیخ طوسی، تفتازانی و... (رک: رئیس اعظم شاهد، اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان) و متکلمان در تعریف معجزه می گویند: امر خارق العاده ای است که مقرون به تحدی (مبارز طلبی) و سالم از معارضه باشد (سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۲۲۸) و این را از شرائط مهم اعجاز می دانند؛ البته برخی شرایط دیگری را به آن اضافه می کنند از جمله اینکه این معجزه به خواست خداوند و به دست مدعی نبوت آشکار شود، به گونه ای که نشانه‌ی صدق ادعای پیامبر بوده و دیگران از انجام آن عاجز باشند (قابل تعلیم و تعلم نیست) (رک: نقد و بررسی موارد تحدی قرآن، ص ۲۸ به نقل از: اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان، ص ۵۱). لفظ معجزه و اعجاز در قرآن کریم به کار نرفته، اما الفاظ و مفاهیم دیگری در قرآن وجود دارد که بیانگر معجزه می باشد؛ مانند: بینه و آیه (اعراف/۷۳، ۱۰۶)، برهان (قصص/۳۲)، سلطان (ابراهیم/۱۱)، بصیرت (انعام/۱۰۴) و شیء مبین (شعراء/۳۰).

۳. ماهیت معجزه:

لفظ معجزه اصطلاحاً، مفرد مؤنث از اسم فاعل، از فعل اعجاز، از باب افعال و به معنای عاجز و ناتوان کننده است. در واقع، به اعتبار لفظ آیات که درباره قطعه‌های کوچک قرآن استعمال می شود، برای آن لفظ آورده می شود و به این معنی است که قرآن کریم که در آن آیات و جمله‌های زیادی وجود دارد معجزه محسوب می شود؛ یعنی این که قرآن عاجز کننده و مبهوت کننده هر فردی است که بخواهد با آن معارضه کند و نظیر آیات آن را ناتوان باشند، مانند: اژدها کردن عصا و یا تراکم آب‌ها نیل و یا درخشندگی انگشتان که زنده کردن مردگان که به دست عیسی مسیح ظاهر گردید یا سخن گفتن سوسمار یا حرکت درخت و قرار گرفتنش در برابر خواهندگان این عمل که به دست رسول گرامی اسلام (ص) انجام پذیرفت؛ چون این کارها و نظایر آن که به دست پیامبران یاد شده انجام گرفت کارهایی بود که دیگران از انجام دادن آن ناتوان بودند و آنها با اینکه همواره سعی و کوشش فراوان در انجام آنها می کردند، هرگز نتوانستند این گونه اعمال را از خود ظاهر سازند و اگر یکی از این اعمال از فردی تحقق یافته بود، بدون تردید همواره در کتاب‌ها و بلکه بر سر زبان‌ها نقل می شد و حال آن که هیچ نویسنده‌ی یا گوینده‌ای چنین چیزی را نقل نکرده است (خالصی، بحثی درباره اعجاز قرآن کریم ص ۶۵).

۴. وجوه اعجاز قرآن:

یکی از معجزات بزرگ خداوند، قرآن کریم است. این کتاب عظیم، جوانب خارق العاده‌ی بسیاری داشته و دانشمندی (طباطبائی، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۱، ص ۵۹؛ معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۳۵؛ سیوطی، الاتقان فی

علوم القرآن ج ۲، ص ۲۲۸) که وارد عرصه ی اعجاز قرآن شده اند، جنبه ها و جوانب بسیاری برای اعجاز قرآن برشمرده اند. این وجوه بیشتر در سه بعد اساسی و مهم خلاصه می شود که عبارتند از:

۱_ اعجاز بیانی: بیش تر به جنبه های لفظی و عبارات به کار رفته و نظر به ظرافت های بلاغی دارد؛ البته این نکات و ظرافت در معنا و محتوا نقش اصلی را ایفاء می کنند.

۲_ اعجاز علمی: اشاراتی است گذرا به برخی از اسرار طبیعت که از لابه لای آیات قرآن تراوش نموده و اعجاز فوق العاده ی آن مشهود است و دانشمندان با مرور زمان و پیشرفت دانش و قطعیت یافتن برخی نظریه های علمی، به این حقایق پی می برند.

۳_ اعجاز تشریحی: قرآن کتاب شریعت و آیینی است که برای اداره ی امور زندگی مادی، معنوی و هدایتی بشر در راستای تأمین مصالح دنیوی و اخروی انسانها، نازل شده که در عالم، بی نظیر و در نهایت اعجاز می باشد (اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان، ص ۶۱).

۵. اعجاز تشریحی:

از وجوه اعجاز قرآن کریم که اخیراً برخی مفسران بر آن تأکید کرده اند، اعجاز تشریحی آن است. از نظریات مربوط به این جنبه اعجاز قرآن برمی آید که معتقدان به آن، فوق العاده بودن مجموع دستورالعمل های قرآن کریم در زمینه های فردی و اجتماعی زندگی بشر را، نشانه ای بر الهی بودن آن دانسته اند که نه قابل نقض است و نه صدور آن از جانب فردی امی و تعلیم ندیده امکان پذیر. تأکید بر این بعد از اعجاز قرآن کریم را برای نخستین بار در تفسیر بلاغی می بینیم. وی در مقدمه تفسیر آلاء الرحمن در بحثی کوتاه و کلی درباره وجوه مختلف اعجاز قرآن، اعجاز از جنبه تشریح عادلانه و نظام مدنی قرآن کریم را یاد کرده است. بلاغی در تبیین اعجاز تشریحی قرآن بر دو نکته تأکید کرده است: نخست به ویژگی رسول خدا(ص) اشاره می کند که در عصر خویش و از جهت محیطی که در آن رشد کرده و مردمی که در میانشان می زیسته همراه با عادت های بدوی آنان، بشری عادی بوده است. بنابراین، با در نظر گرفتن این شرایط برای آورنده قرآن کریم و تأمل و دقت در احکام و قوانین حقوقی و اجتماعی و خانوادگی، عادتاً برای چنین بشری عادی ممکن نیست بدون پشتوانه وحی الهی، جاعل قوانین باارزش و معقول موجود در قرآن کریم باشد. سپس وی برای برجسته تر نشان دادن احکام مدنی و حقوقی قرآن کریم به برخی احکام مخدوش و نامقبول و آمیخته به خرافات موجود در عهد قدیم و جدید اشاره کرده و خواننده را به مقایسه میان احکام قرآن کریم با عهدین فرا می خواند. با این حال، تفصیل بیشتر بحث را به بخش هایی از دو کتاب دیگرش الهدی الی دین المصطفی و الرحلة المدرسیه

ارجاع می‌دهد. همزمان با بلاغی، رشیدرضا یکی از وجوه اعجاز قرآن را اعجاز در علوم دینی و تشریح معرفی کرده است. به نظر وی معارف الهی، اصول عقاید، احکام عبادات، قوانین، فضایل و آداب و قوانین سیاسی، مدنی و اجتماعی قرآن کریم که با شرایط هر زمان و مکانی سازگار است از ظاهرترین وجوه اعجاز آن است. نکته قابل توجه در دیدگاه وی این است که افزون بر برتر دانستن قوانین و معارف قرآن کریم در مقایسه با احکام دیگر کتاب های آسمانی، به مقایسه احکام قرآن با دیگر قوانین موضوعه بشری نیز روی آورده است. با این حال، او نیز مانند بلاغی شخصیت رسول‌گرامی اسلام (ص) را که امی و تعلیم ندیده بوده مورد توجه قرار داده و این همه را نشانه وحیانی بودن معارف و قوانین و احکام قرآن کریم معرفی کرده است. همزمان با طرح این آرا جریان فکری دیگری در میان برخی دانشمندان شیعی، چون میرزامهدی اصفهانی و شیخ مجتبی قزوینی شکل گرفت که منحصرأعجاز در علوم و معارف و احکام قرآن کریم را اعجاز معرفی کرده و آیات تحدی را به همین بُعد از اعجاز ناظر دانسته است.

نظریه اعجاز تشریحی، پس از این از سوی قرآن‌پژوهان پیگیری شد، چنان‌که اعجاز در تشریحات قرآن کریم و قوانین و احکام این کتاب آسمانی در آثار علامه طباطبایی و خویی از شاگردان بلاغی، انعکاس یافته و پس از این دو نیز در آثار دیگران بر آن تأکید و به‌طور مبسوط تری به بحث گذاشته شده است. در میان قرآن‌پژوهان عرب نیز پس از رشیدرضا، زرقانی در معرفی چهارمین وجه اعجاز در بحث «وفاؤه بحاجات البشر» به زمینه‌های متنوع و مختلفی از تشریحات قرآن کریم اشاره کرده و در استدلال برای اثبات آن بر مقایسه میان احکام فردی و اجتماعی قرآن با قوانین مصوب در کشورهای غربی تأکید ورزیده است. برخی از دیگر قرآن‌پژوهانی که به این بعد از اعجاز قرآن پرداخته‌اند، وهبه زحیلی در القرآن‌الکریم بنیته التشریحیه، علی احمد بابکر در الاعجاز التشریحی فی القرآن، اسماعیل ابراهیم در القرآن و اعجازه التشریحی و قره داغی در الاعجاز التشریحی فی القرآن والسنة هستند که هر یک کتابی مستقل در تبیین اعجاز تشریحی قرآن کریم سامان داده‌اند. این پژوهشگران، اثبات اعجاز تشریحی قرآن کریم را بر اموری چند از قبیل امی بودن پیامبر اسلام، مقایسه احکام قرآن با احکام عهدین، مقایسه احکام قرآن با قوانین مدون بشری رایج در جوامع پیش از اسلام، نیز قوانین رایج در جوامع پیشرفته غربی، مبتنی ساخته و برای تشریحات قرآن و قوانین فردی و اجتماعی آن نسبت به سایر قوانین، ویژگیها و امتیازاتی را برشمرده‌اند (دستی، دائرة المعارف بزرگ قرآن کریم، مدخل اعجاز قرآن/تشریحی، ج ۳، صص ۵۷۸ - ۵۷۹).

۱-۵. ویژگی های اعجاز تشریحی:

دو ویژگی دیگر تشریحات قرآن کریم، مهم‌تر تلقی شده است:

۱. میرا بودن آن از هرگونه گرایش انحرافی از قبیل افراط و تفریط، یا ناسازگاری با عقل و فطرت و علم و آمیختگی با خرافات. با این که احکام تشریحی قرآن کریم در مقطع زمانی و مکانی خاص و در محیطی با اقتضائات و شرایط ویژه صادر شده است و پاسخگوی نیازهای متناسب با محیط و فرهنگ خاصی بوده؛ اما آن شرایط و مقتضیات، تشریحات قرآن کریم را به زمان و مکان و فرهنگ خاصی، محدود نساخته است. چیزی که تاکنون در هیچ یک از قوانین وضع شده به دست انسان ها مشاهده نشده است.

۲. جامعیت احکام و تشریحات قرآن کریم که درباره حیات انسان، سه بعد را که لازمه زندگی اجتماعی وی در این جهان است، رعایت کرده: رابطه انسان با شئون فردی و شخصی خود، رابطه وی با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند و رابطه وی با آفریدگارش که اخلاق و معنویت و کرامت انسانی نیز در همین راستا مطرح می‌شود. این درحالی است که قوانین بشری، تنها شئون اجتماعی زندگی انسان را جهت بخشیده و از بقیه شئون آن، به ویژه رابطه انسان با پروردگارش به کلی غفلت ورزیده است. این بعد سوم، زندگی انسان را کاملا متعادل ساخته و از انحصار در محدوده نیازهای جسمانی درآورده و به انسان چهره ملکوتی می‌بخشد.

تشریح عبادات در اسلام به گونه‌ای پاک و خردپسند و موافق با فطرت اصیل انسانی عرضه شده و ادعیه و اذکار آن حاکی از توحیدی ناب و معنویتی پاک است و غرض اصلی از تشریح آنها طهارت درون انسان و رشد و تکامل اوست. ابواب معاملات و درکنار آن احکام اجتماعی اسلام، آن اندازه گسترده و فراگیر است که مایه حیرت دین پژوهان گردیده و اصولا شریعتی به این گستردگی که همه ابعاد حیات جامعه را زیر دیدگاه خود قرار داده و در هر یک، نظر داده باشد در دست نیست. بنابراین، مقصود معتقدان به اعجاز تشریحی قرآن این نیست که در هیچ یک از قوانین وضع شده از سوی بشر، یا احکام و قوانین تشریح شده در سایر ادیان، قوانینی همانند احکام و قوانین موجود در قرآن کریم یافت نمی‌شود، بلکه مقصودشان این است که مجموعه احکام و قوانین قرآن کریم در جهت تکامل و سعادت بشر بوده و هیچ یک از آنها انحرافی، آمیخته به خرافات، خارج از اعتدال، یک سو نگرانه و قابل نقض نیست. هنگامی که این ویژگی ها و ویژگی جامعیت احکام قرآن که در همه شئون فردی و اجتماعی زندگی بشر نظر داده، در کنار ویژگی آورنده آنها که فردی امی و تعلیم ندیده بوده، در نظر گرفته شود، اعجاز قرآن کریم از این بعد ثابت می‌گردد. در زمینه جامعیت احکام قرآن، گفتنی است که برخی قرآن پژوهان، سنت قطعی رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) را که در مقام تبیین و تفصیل احکام قرآن یا تأسیس احکام جدید بوده نیز مشمول اعجاز تشریحی قرار داده‌اند (دشتی، دایره المعارف بزرگ قرآن کریم، مدخل اعجاز قرآن/تشریحی، ج ۳، صص ۵۷۸ - ۵۷۹).

۲-۵. تعریف اعجاز تشریحی:

معتقدان به اعجاز تشریحی فهم های مختلفی از این اعجاز داشته و تعاریف گوناگونی درباره ی آن ارائه داده اند. برخی خاصیتی مثل تضاد و تناقض نداشتن و استحکام معنایی را اعجاز تشریحی دانسته (سفیانی، الإعجاز التشریحی قاعدة لاستمرار عملیه الاجتهاد، ص ۲۲) و برخی از جهت نوآوری های مفاهیم دینی می دانند؛ بدین معنا که قرآن، در دو بخش معارف و احکام راهی پیموده که تا آن روز، بشریت بدان راه نیافته بود و برای ابدیت نیز بدون راهنمایی دین، دست یابی به آن امکان پذیر نیست (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۲۱۳ و ۲۱۴) و بعضی تنها جنبه ی دستورالعملی و قانون گذاری قرآن را اعجاز تشریحی می دانند (دائرة المعارف بزرگ قرآن کریم، مدخل اعجاز قرآن / تشریحی، ص ۵۷۸).

۳-۵. منکران اعجاز تشریحی:

در مقابل قائلین، گروهی اعجاز تشریحی قرآن را منکر شده و مسأله ی تحدی را به عنوان دلیل ذکر کرده اند به این صورت که از جمله شرایط اعجاز، تحدی است، یعنی صاحب معجزه در اعجاز خودش، همآورد و مبارز می طلبد؛ در حالی که درباره ی اعجاز تشریحی تحدی وجود ندارد و در هیچ آیه ای، خداوند نفرموده که اگر می توانید تشریحی مانند تشریح قرآن بیاورید؛ فلذا تشریح قرآن جنبه ی اعجاز ندارد (مباحث فی علوم القرآن، صص ۳۲۰ - ۳۲۱ به نقل از دائرة المعارف بزرگ قرآن کریم، مدخل اعجاز قرآن/تشریحی، ص ۵۸۱). قائلین دو نوع جواب مطرح نموده اند:

یک. آیات تحدی را اشاره به جنبه ی معنایی قرآن می دانند نه جنبه لفظی آن؛ چون تحدی اگر مختص به لفظ باشد، قرآن فقط می بایست برای دانشمندان بلاغت و فصاحت معجزه بوده نه غیر آن؛ در حالیکه این با صریح آیه که فرموده جن و انس را جمع کنید هم نمی توانید مانند قرآن بیاورید، مخالف است (طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۵۹).

دو. برخی نیز آیات به خصوصی را اشاره به تحدی در زمینه ی شرایع و قوانین قرآن و تصحیح کننده ی اعجاز تشریحی می دانند. از جمله آیات ذیل که می فرماید: «فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ» (طور/۳۴)؛ اگر راست می گویند سخنی (نو) همانند آن بیاورند! «اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكُمْ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يَضَلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ» (زمر/۲۳)؛ خداوند بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آیتش (در لطف و زیبایی و عمق و محتوا) همانند یکدیگر است، آیاتی مکرر دارد (با تکراری شوق انگیز) که از شنیدن آیتش لرزه بر اندام کسانی که از پروردگارشان می ترسند، می افتد؛ سپس برون و درونشان نرم و متوجه ذکر خدا می شود. این هدایت الهی است که هر کس را بخواهد با آن راهنمایی می کند و هر کس را خداوند گمراه سازد، راهنمایی برای او نخواهد بود! برخی از پژوهشگران معتقدند، این آیه صریح ترین آیه ای است که می فهماند، خداوند به علوم معارف و قوانین

مستحکم قرآنی تحدی نموده است (صانعی، اعجاز تشریحی قرآن، ص ۵۷). در این میان صبحی صالح بر نظریه اعجاز تشریحی خرده گرفته و معتقد است که به این وجه از اعجاز قرآن تحدی نشده است. وی همگام با نظر مشهور، معتقد است چون تحدی قرآن ناظر به اعجاز بیانی است، نمی توان از اعجاز تشریحی قرآن دفاع کرد. برخلاف دیدگاه وی، به نظر می رسد دست کم برخی آیات تحدی ناظر به جنبه های معارفی و معنایی قرآن کریم شامل تشریحات باشد، (قصص/۴۹، ۲۸؛ طور/۳۴، ۵۲) و معتقدان به اعجاز تشریحی در همه موارد، آن را در کنار اعجاز در معارف قرآن در نظر گرفته اند. برخی دیگر نیز دایره احکام را چندان گسترده دانسته تا شامل احکام دینی، اعتقادات و معارف و اخلاق نیز بشود. نظریه اعجاز تشریحی، گرچه در زمان معاصر مطرح گردیده؛ اما اصل طرح آن ریشه تاریخی دارد و نخستین نظریات در این باره را در آثار مفسران کهن می توان مشاهده کرد، چنان که باقلانی (م. ۴۰۳ ق.) در اعجاز القرآن در بحث «مافی القرآن من الشریعة والاحکام» به همین جنبه از اعجاز قرآن نظر داشته است؛ نیز قرطبی (م. ۶۷۱ ق.)، ابن جزئی (م. ۷۴۱ ق.)، و آلوسی (م. ۱۲۷۰ ق.) احکام قرآن را از جمله وجوه اعجاز آن معرفی کرده اند. چنانچه احکام قرآن را بخشی از معارف آن بدانیم در این صورت از مفسران بیشتری در گذشته می توان نام برد که به اعجاز تشریحی اشاره کرده اند (دائرة المعارف بزرگ قرآن کریم، مدخل اعجاز قرآن/ تشریحی، ص ۵۷۸).

۶. امتیازات قوانین اسلام

برای آگاهی بیشتر از اهمیت قوانین اسلام، لازم است از مشخصات و امتیازات آن بیش از پیش آگاه گردیم: در این جا به منظور رعایت اختصار فقط به پنج امتیاز اشاره می کنیم:

الف - فطری بودن:

تمام دستورهای اسلام، متکی به مقتضیات فطرت و سرشت آدمی است. قرآن در همه قوانین خود خواسته های طبیعی انسان را از نظر دور نداشته و کوچک ترین تضادی با سنن خلقت انسان ندارد و رمز ثبات و پایداری قوانین اسلام و ابدیت و جاودانگی آن نیز همین است. قرآن این حقیقت را در آیه زیر بیان کرده است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»، (روم / ۳۰)؛ روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن؛ این فطرتی است که خداوند انسان ها را بر آن آفریده است. دگرگونی در آفرینش خدا نیست. این است دین و آیین محکم و استوار، ولی بیشتر مردم نمی دانند. هر گاه در تشریح قوانین، سرشت تغییرناپذیر انسان که قدر مشترک همه انسان ها، در همه ادوار و در تمام شرایط است، در نظر گرفته شود، بشر باید از اصول ثابت و تغییرناپذیری پیروی کند. درست است که تحولات تکنیکی، چهره زندگی را دگرگون ساخته و آخرین وسائل مدرن آسایش را در اختیار بشر نهاده

است، ولی هرگز دست تحول به ذات انسان، و خواسته های درونی وی و غرایز پرتحرک او، راه نیافته است. آنچه که انسان کنونی می خواهد، و به آن نیاز دارد، همان است که انسان عصر حجر نیز آن را می خواست. به عبارت روشن تر، گر چه وسائل پیشرفته زندگی و دگرگونی اوضاع و احوال، جامعه ها را با نیازهای جدید و تازه ای رو به رو می سازد و برای رفع نیاز ناچار است قوانین تازه ای وضع کند، ولی انسانیت در تمام احوال و شرایط محفوظ بوده و دست تغییر به نهاد آن راه پیدا نکرده است از این رو، یک سلسله قوانین ثابت مورد نیاز انسان است و چون قرآن قوانین خود را بر اساس فطرت قرار داده، ابدی است و با مقتضیات زمان منطبق است. «برنارد شاو»، نویسنده مشهور انگلیسی می گوید: من معتقدم که دین محمد، یگانه دینی است که با تمام ادوار زندگی بشری مناسب است و قابلیت آن را دارد که هر نسلی را به خود جلب کند (مناظره دکترو پیر، ص ۱۶۸، به نقل از: مکارم شیرازی و دیگران، پیام قرآن، مبحث نبوت عامه). «ولز»، دانشمند انگلیسی می گوید: اما کتاب چهارم که مهم ترین کتاب دنیاست، قرآن است؛ زیرا این کتاب آسمانی اثری که در دنیا گذاشته نظیر آن هیچ کتابی به خود ندیده است. قرآن کتاب علمی و دینی و اجتماعی و تهذیبی است، مقررات و قوانین و احکام آن با اصول و قوانین و مقررات دنیای امروزی مطابق است و برای همیشه قابل پیروی و عمل است. هر کس بخواهد دینی اختیار کند که سیر آن با تمدن بشر، پیشرفت داشته باشد، باید که دین اسلام را انتخاب کند و اگر بخواهد معنی این دین را بیابد، باید به قرآن مراجعه کند (قرآن و دیگران، ص ۲۶ به نقل از: مکارم شیرازی و دیگران، پیام قرآن، مبحث نبوت عامه). هر گاه در تشریح قوانین، سرشت تغییرناپذیر انسان که قدر مشترک همه انسان ها، در همه ادوار و در تمام شرایط است، در نظر گرفته شود، بشر باید از اصول ثابت و تغییرناپذیری پیروی کند

ب - سازگاری با تمدن:

در طول تاریخ زندگی بشر، تمدن های بزرگی در میان اقوام و ملت های مختلف وجود داشته که هر کدام دارای جنبه های مثبت و مناسب با کمال انسان و نیز جنبه های منفی و ضد بشری بوده اند. یکی از نقاط برجسته قوانین اسلام، سازگاری آن با جنبه های مثبت و سازنده چهره ها و گونه های مختلف تمدن انسانی است. قوانین قرآن و تمام آنچه از پیامبر گرامی (ص) و پیشوایان راستین (ع) بعد از او به عنوان احکام الهی رسیده است، همگی نه تنها با بعد سازنده مظاهر تمدن انسانی موافق و سازگار می باشد و تضادی میان آن دو وجود ندارد، بلکه مروج آن است. اسلام برای تأیید و ترویج مظاهر تمدن انسانی، دعوت به علم و دانش، خلاقیت و ابتکار و جدیت کرده و با خرافات، تعصبات، کج فهمی ها، جمودها و لهو و لعب ها مبارزه کرده است. به همین جهت، وقتی اسلام به مناطقی که دارای تمدن های اصیل بودند راه یافت، مردم نه تنها قوانین اسلام را که منبع مهم آنها قرآن بود، با تمدن خویش مابین ندیدند، بلکه بیشتر افراد به استقبال آن شتافتند و خود مروج آن شدند و به توسعه و گسترش تمدن اسلامی که شالوده آن به وسیله پیامبر (ص) ریخته شده بود، پرداختند. به عنوان نمونه، شکیب ارسلان می

نویسد: باید اعتراف کنم که تقدّم مسلمانان منحصر به صنعت و فن نیست، بلکه آنها در علوم عقلی و فلسفه نیز قدمی راسخ داشتند، مسلمانان کتب ارسطو، بقراط، جالینوس، ویسقور، یدوس، بطلمیوس و ... را به عربی ترجمه کرده اند و اسرار تازه ای از علم را گشودند و بر آنچه از دیگران گرفتند، افزودند. مورخان روایت کرده اند که شانجه پادشاه لیون در سال ۹۶۰ میلادی به منظور درمان بیماری صعب العلاج خود به نزد پزشکان مسلمان قُربطبه رفت و بهبودی یافت و در تمام دوران زندگی خود از احترام و نشاط و تجلیلی که در قرطبه نسبت به خود دید، یاد می کرد (شکیب ارسلان، تاریخ فتوحات اسلامی، ترجمه علی دوانی، ص ۳۱۲). شهید مطهری نیز می نویسد: ایرانیان شاهکارهای خود را در راه خدمت به اسلام به وجود آوردند و در حقیقت این اسلام بود که استعداد ایرانی را تحریک کرد و در او روح تازه ای دمید (مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ج ۲، ص ۳۷۴).

ج - مراعات تعادل بین جسم و روح:

انسان موجودی مرکب از جسم و جان یا ماده و روح است؛ در دیدگاه اسلام، بُعد اصیل وجود انسان، همان بعد روحی و معنوی بوده و جسم باید به عنوان ابزاری در خدمت روح و کمالات روحی انسان قرار گیرد. اما باید همراه با رسیدن به نیازهای اصیل و غایی، که همان نیازهای روح انسان است، نیازهای مقدماتی و ابزاری نیز که نیازهای جسمانی او است، مورد توجه قرار گرفته و در حدّ لزوم و به مقتضای نیازهای روح، به آنها نیز رسید و نباید نیازهای جسمانی را فدای نیازهای روح کرد، و در پرتو رعایت هر دو جانب در قوانین اسلام، تعادلی میان ماده و روح پدید آمده است. احیای ارزش های اخلاقی و سجایای انسانی و پاکسازی جامعه از کارهای زشت، توجه قرآن را از بهزیستی جسمی و بهره گیری از لذایذ به استثنای کارهای حرام که ویرانگر بنیادهای اخلاقی و ارزش های معنوی و روحی است باز نداشته است.

د - ژرف نگری:

قوانین اسلام با ژرف نگری خاصی وضع شده است. چیزی که با سعادت انسان ناسازگار باشد، تحریم شده و آنچه که به حال او مفید و سودمند است، حلال معرفی گردیده است. اسلام هرگز در تحلیل و تحریم از افکار ملت ها پیروی نکرده، بلکه ملاک تشریح را مصالح و مفاسد واقعی انسان ها قرار داده است؛ حتی آن جا که مصالح و منافع کاری، غلبه بر مفاسد آن کار داشته باشد، روا شمرده شده و آن جا که زیان ها و مفاسد چیزی بیش از منافع آن بوده، ممنوع شمرده شده است. قرآن در مورد شراب و قمار می گوید: «فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (بقره/ ۲۱۹)؛ در آنها گناه بزرگ و سودمندی هایی برای مردم است و گناه آنها بیش از سودمندی آنهاست. امر دیگری که به مقررات اسلامی خاصیت انعطاف و انطباق پذیری بخشیده، وجود یک سری قواعد کنترل کننده در متن مقررات اسلامی است. فقها آنها را «قواعد حاکمه» نام نهاده

اند؛ یعنی قواعدی که بر سراسر احکام و مقررات اسلامی حکومت می کند. به موجب این قواعد هر حکم اسلامی که عمل به آن موجب حرج و ضرری بر مکلف (مازاد بر حرج و ضرری که طبع حکم اقتضای آن را دارد) می شود، از او برداشته شده است

ه - نرمی و قابلیت انطباق: با اوضاع متغیر زندگی انسان سهولت و قابلیت انطباق قوانین قرآن با اوضاع گوناگون زندگی انسان که رمز خلود و جاودانگی آن است، در نتیجه اموری است که به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱- قرآن در تشریحات خود، به حقایق و معانی توجه داشته و در این جهت به صورت و ظواهر زندگی نپرداخته است و از این رو در اسلام، وسیله ای مادی و با شکلی ظاهری را نمی توان یافت که جنبه تقدس داشته باشد و مسلمان وظیفه خود بداند که آن شکل و ظاهر را حفظ کند. و همین امر موجب جلوگیری از هر گونه تصادمی با توسعه تمدن و فرهنگ شده است. به عنوان نمونه مواردی ذکر می شود: قرآن امت اسلامی را دعوت می کند که در برابر دشمنان خود مجهز شوند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال / ۶۰)؛ تا آن جا که می توانید برای رویارویی با دشمن نیرو آماده کنید. منظور از نیرو، اعم از کسب تجربه ها و مهارت ها و ادوات جنگی است؛ چنان چه منظور از ادوات جنگی هم اعم از نیزه و شمشیر و موشک و هواپیما و انواع رادار و ... است و اگر در فقه اسلامی در کتاب «سبق و رمایه» دستور رسیده که خود و فرزندانان تا حدّ مهارت کامل فنون اسب سواری و تیراندازی را یاد بگیرید، برای این است که آنها جزو فنون نظامی آن عصر و بهترین وسیله تهیه نیرو و نیرومند شدن در مقابل دشمن آن عصر بوده است. بنابراین، آنچه در نظر اسلام اصالت دارد، آمادگی مسلمانان در برابر دشمن است و شمشیر و نیزه و اسب از نظر اسلام اصالت ندارد و جزو هدف های اسلامی نیست. اسلام زن را دعوت می کند که در بیرون از خانه پوشش و حجاب داشته باشد و این اصلی است که مورد نظر اسلام است زیرا عفت و کرامت زن بدون این پوشش در خطر است، اما آن را به شکل خاصی مقید نکرده و به پوشیدن لباس مشخصی توصیه نکرده است، بلکه هرلباسی که هدف فوق را تأمین کند، کافی است. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» (احزاب / ۵۹)؛ ای پیامبر، به همسران و دختران و به زنان مؤمنان بگو: روسری های خویش را به خود نزدیک سازند (برخود فروافکنند). این کار برای این است که (به عفاف و پاکدامنی) شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند، نزدیک تر و بهتر است.

۲- امر دیگری که به مقررات اسلامی خاصیت انعطاف و انطباق پذیری بخشیده، وجود یک سری قواعد کنترل کننده در متن مقررات اسلامی است. فقها آنها را «قواعد حاکمه» نام نهاده اند؛ یعنی قواعدی که بر سراسر احکام و مقررات اسلامی حکومت می کند. به موجب این قواعد هر حکم اسلامی که عمل به آن موجب حرج و ضرری بر مکلف مازاد بر حرج و ضرری که طبع حکم اقتضای آن را دارد می شود، از او برداشته شده است. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «وَمَا جُعِلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج / ۷۸)؛ و در دین کار سختی را بر شما قرار نداد (حکمی که عمل به آن موجب عسر و حرج است، از شما

نخواست است). آیت الله معرفت در باره ویژگی های تشریح احکام و قوانین می گوید: درباره تشریح احکام و قوانین حاکم بر نظام حیات اجتماعی، مبانی تشریحات و حیاتی دارای دو امتیاز است که در دیگر تشریحات وضعی (بشری) وجود ندارد، یا کمتر رعایت شده است.

اول: میرا بودن از هر گونه گرایش های منحرف کننده که ممکن است در قوانین وضعیه تاثیر گذار باشد. تجربه نشان داده که این امکان، در اکثریت قوانین وضع شده بر دست انسان ها، تحقق یافته است. حتی انسان های بزرگ، هر چند سعی در پرهیز از گرایش های قومی، نژادی، منطقه ای، گروهی و صنفی نموده اند، باز ناخود آگاه لغزیده اند. امروزه، بشریت از ناهنجاری این گونه قوانین وضعی، چه در سطح بین المللی و چه در محدوده های خاص، هنوز رنج می برد.

دوم: رعایت سه بعد در حیات انسان که لازمه زندگی اجتماعی وی در این جهان است: رابطه وی با شؤن فردی و شخصی خود، رابطه وی با جامعه ای که در پوشش آن قرار گرفته، رابطه وی با خدا و آفریدگار وی که در همین راستا اخلاق، معنویت و کرامت انسانی مطرح می شود.

قوانین وضعیه، تنها شؤن فردی و اجتماعی را جهت بخشیده و حتی در بعد اول کمتر توجه نموده، بیش تر همت را در بعد دوم به کار انداخته است. ولی از بعد سوم، یعنی رابطه با پروردگار، به کلی غفلت ورزیده است. در حالی که همین بعد سوم است که به حیات انسان درخشش می دهد و او را کاملا متعادل می سازد و از صورت «بهیمیت» - انحصار در محدوده نیازهای جسمانی - به در آورده، به انسان چهره ملکوتی می بخشد.

اسلام، درباره شؤن خاص افراد وظایفی مقرر داشته که آدمی را در پندار و گفتار و رفتار متعادل می سازد و نیز در تامین مصالح همگانی و تضمین گسترش عدالت اجتماعی می کوشد تا جامعه ای سالم و سعادت بخش فراهم نماید، تا هر فرد به حقوق طبیعی و مشروع خود به آسانی دست یابد.

علاوه بر این دو جهت، انسان را به علو شرف و بلندای کرامت خویش آشنایی کند، جای گاه و اخلاق و معنویت را در زندگی به او نشان می دهد، تا او را از سقوط در «حیض» ذلت نادانی ها و وابستگی های پست نگاه دارد و به «اوج» عزت و رفعت بالا برد.

اسلام، احکام و قوانین تشریحی خود را بر همین سه جهت بنیان نهاده، تا و لقد کرمانا بنی آدم (۵) را تحقق بخشد، ودایعی را که در نهاد او قرار داده (۶) ظاهر سازد و از حالت استعداد به صورت فعلیت در آورد و از این راه منصب خلافت الهی را که به او عطا کرده، جامه عمل بپوشاند. لذا خداوند بر انسان منت نهاد که او را این چنین به شریعت خود مفتخر نمود و او را به این زیور گران قدر آراست.

لقد من الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم یتلو علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین (۷)، خداوند منت [بزرگی] بر مؤمنین نهاد که پیامبری از میان خودشان برگزید، تا آیات و نشانه های خود را بر آنان بنمایاند، آنان را از درون پاکیزه سازد و کتاب [تعالیم] شریعت [را] به آنان بیاموزد و بینشی در درون آنان بیافزود [تا] حقایق بر ایشان آشکار شود [اگر چه پیش از این سخت در گم راهی بودند] (معرفت، اعجاز تشریحی قرآن)

۷. پایه های شریعت اسلامی:

هر قانونگذاری و تشریحی لازم است بر اساس پایه ها و اصولی بنا گردد که از آن برای بقا و دوامش در بین مردم کمک گیرد تا به عدالتش راضی و از حکمتش مطمئن باشند و در زندگی مصالح فرد و مجتمع را تأمین نماید. شریعت اسلامی دارای پایه ها و اصول ثابتی است و از چنان ویژگی برخوردار می باشد که مردم با اطمینان و اعتماد تمام آن را پذیرفته و در مقابلش تسلیمند، چون قوانینش با فطرت سالم هماهنگ می باشد که آن همان ویژگی است که الله تعالی انسان را بر اساس آن خلق نموده است که غیر قابل تبدیل و تغییر می باشد. و همچنان که همه شواهد بر آن گواه است، عقل های سالم را مخاطب خویش قرار می دهد، به کار و کوشش تشویق می کند، به جهاد در راه الله دعوت می نماید، و منادی اینار، آزادی، مساوات، احسان و نیکوکاری می باشد. از جمله اصولی که شریعت اسلام بر آن مبتنی است می توان به این موارد اشاره نمود:

۱-۷. وجود تکالیف به اندازه توان بشر:

شریعتی است که مردم را زیاده تر از حد توان تکلیف نمی کند و آن را آسان می گیرد؛ چون تکالیف اسلام جملگی در حد توان انسان و فاقد چنان مشقتی است که انسان نتواند آن را انجام دهد. خداوند در وصف آن می فرماید: « ما جعل الله علیکم فی الدین من حرج»؛ خداوند در دین بر شما سختی قرار نداده است. می فرماید: «لا یكلف الله نفساً إلا وسعها»؛ خداوند هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی کند.

۲-۷. همگانی بودن قوانین:

قوانین اسلام برای تمام مردم آمده و تنها به حالات فردی، جزئی اشخاص توجه نشده است.

۳-۷. وجود رخصت ها:

در هنگام ضرورت برای مردم رخصت هایی قرار داده است تا قوانین آن موجب مشقت نگردد. مثلاً در اسلام روزه ماه رمضان واجب است، اما برای مسافر و مریض رخصت است.

۴-۷. کمی تکالیف:

رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «إن الله فرض فرائض فلا تضيعوها وحد حدوداً فلا تعتدوها، و حرم أشياء فلا تنتهكوها، و سكت عن أشياء رحمة بكم فلا تبحثوا عنها»؛ خداوند واجباتی را بر شما قرار داده، با ترک کردن و سستی در انجامش آن را ضایع نکنید و حدودی را مقرر فرموده از آن تجاوز نکنید؛ چیزهایی را حرام کرده است به آن نزدیک مشوید و استفاده نکنید و در مورد چیزهایی به قصد رحمتش بر شما سکوت کرده است در مورد آن بحث نکنید.

۵-۷. تدریج در احکام:

تدریج در احکام و قوانین اسلام اصلی است که اسلام برای معالجه عادات مذموم که در دل های مردم ریشه دوانیده بودند، استفاده کرده است و بتدریج بدون به کار بردن شدت عمل در نهی و تحریم آنها توانسته به اصلاح آن اقدام نماید. برای مثال برای حذف شراب در زندگی مردمی که حیاتشان با آن مخلوط شده بود، با تحریم تدریجی و یک شیوه حکیمانه آن را از زندگی مردم دور نمود، بدون این که چنان حرج و سختی را احساس کنند.

۶-۷. حرکت کردن بر مبنای مصالح عامه:

یکی دیگر از اصول تشریحی اسلام است؛ چنان که بعضی از احکام که نسخ آن موجب مصالح عموم بوده است، نسخ گردید. مثل آن چه در احکام مربوط به وصیت و آیات میراث موجود است، یا تغییر قبله از مسجد الاقصی به سوی کعبه در مکه مکرمه از آن جمله است. و در سنت نیز شاهد آن هستیم، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: « کنت نهیتکم عن زیارة القبور الا فروروا فانها ترقق القلب و تدمع العين و تذکر بالآخرة » (مسند امام احمد) من شما را از زیارت قبرها منع کردم و حال به زیارت آنها بروید، چون موجب نرمی دل ها و جاری شدن اشک چشمان و وسیله یادآوری قیامت است (همان).

۸. اصول و قوانین در قرآن:

زیبایی قرآن فقط در الفاظ و عبارات و فصاحت و بلاغت آن نیست. این کتاب مقدس برخوردار از یک زیبایی برتر و ارزش والاتر یعنی مفاهیم و معانی عمیق و دقیق است. قرآن رسالت خود را هدایت بشر شناسانده است و کتابی است که پیامبر با آن مردم را از ظلمت ها به نور رهنمون کرد. «کتاب انزلناه الیک لتخرج من الظلمات الی النور» (ابراهیم/۱). قرآن به عنوان قانون اساسی

به نقل از: محمد اسماعیل ابراهیم به آدرس ۴:

اسلام دربرگیرنده مجموعه ای از اصول و ضوابط هماهنگ با فطرت انسانی است که همواره بر تارک اندیشه ها چون خورشیدی می درخشد و عزت و عظمت را در گرو آشنایی و عمل به قوانین خود می داند. قرآن مجید در این بخش بدون شک اعجاز است. در زمانی که انحطاط در اخلاق و آداب و رسوم اجتماعی به اوج خود رسیده بود و غارت و چپاول امتیاز به حساب می آید و دختران زنده به گور می شوند و خیانت و فساد و فحشا و بی عدالتی فراگیر شده بود، قرآن که پرچم دار شرقی ترین قوانین و مطرح کننده ارزش ها و فضایل انسانی است ظهور می کند و به مردم صداقت ، امانت، اخوت ، وحدت و انسانیت را یادآور می شود. آنان را از جهل به سوی علم ، از تاریکی به سوی نور و روشنایی و از رذایل به سوی فضایل سوق می دهد. در سایه همین تعلیمات و قوانین حیات بخش است که اسلام ، شرق تا غرب عالم را فرا می گیرد و پرچم تمدن شکوهمند اسلامی در تمام اقطار به اهتزاز در می آید. نمونه هایی از این اصول و قوانین را در قرآن یادآور می شویم:

الف) اصل عدالت و امانت

«ان الله يأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل» (نساء/۵۸)

ب) اصل کلی امر به نیکی ها و نهی از زشتی ها

• «ان الله یأمر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی یعظکم لعلکم تذكرون»
(نحل/۹۰)

ج) اصل مقابله به مثل در برابر متجاوزان

«فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم» (بقره/۱۹۴)

د) اصل مساوات و برابری و تعیین معیار امتیاز

از نظر قرآن مجید، همه انسانها با هم مساوی و برابرند اما معیار امتیاز در میان آنان در ارزش هایی همچون تقوا، علم و جهاد در راه خداست.

«انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقاکم» (حجرات/۱۳)

• «قل هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» (زمر/۹)

«فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا عظیما» (نساء/۹۵)

ه) اصل نفی هر گونه استبداد

- «... و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت عليهم» (اعراف/۱۵۷)

و) اصل عدم سلطه کافرین بر مومنان

- «و لن يجعل الله للكافرين على المومنين سبيلا» (نساء/۱۴۱)

ز) اصل شدت در برابر کافران و رحمت در برابر مومنان

- «محمد رسول الله و الذين معه اشداء على الكفار رحماء بينهم» (فتح/۲۹)

ح) اصل صلح و اخوت

- «انما المومنون اخوه فاصلحوا بين اخويكم» (حجرات/۱۰)

ط) اصل توصیه به وحدت

- «واعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا...» (آل عمران/۱۰۳)

ی) اصل بهره برداری از نعمت های الهی

- «قل من حرم زينه الله التي اخرج لعباده و الطيبات من الرزق» (اعراف/۳۲)

ک) اصل وفای به عقود

- «يا ايها الذين آمنوا اوفوا بالعقود» (مائده/۱)

ل) اصل نفی حرج

- «و ما جعل عليكم في الدين من حرج» (حج/۷۸)

م) اصل تکلیف به قدر طاعت

- «لا يكلف الله نفسا الا وسعها» (بقره/۲۸۶)

(ن) اصل پذیرش اختیاری دین

« لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ » (بقره/۲۵۶)

اصولی را که اشاره نمودیم تنها گوشه‌ای از معارف قرآن است. قرآن سراسر شفا، نور، رحمت، هدایت و حقانیت است. جاودانگی آن به گونه‌ای است که گذشت، زمان تأثیری در طراوت و حلاوت آن ندارد. هم این اصول مترقی را در بدترین دوره انحطاط اخلاقی و در دوران رواج وحشی‌گری مطرح و در بخش‌های مختلف زندگی از قبیل امور اقتصادی، مالی، اجتماعی و سیاسی، امور نظامی و دفاعی، امور حقوقی، ثروت‌های عمومی، معاملات، ازدواج، طلاق، ارث و ... در عالی‌ترین شکل تبیین نموده است.

۹. نمونه‌هایی از اعجاز تشریحی:

انسان همیشه درباره اینکه چگونه باید زندگی کند، در ذهنش سؤالاتی داشته که در پی پاسخ دادن به آن‌ها بوده است. پاسخ‌های انسانی همیشه ناقص بوده و تمام جوانب زندگی انسان را در بر نمی‌گیرد؛ اما قوانین الهی که در قرآن کریم ذکر شده، تمام ابعاد فردی، اجتماعی و الهی زندگی بشر را در نظر می‌گیرد و از همین جهت از تمام قوانین بشری پیشرفته‌تر و عادلانه‌تر است (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۲۶۱) برخی از این قوانین مترقی قرآنی عبارتند از:

۹-۱. آزادی عقیده و دین:

در اسلام همه در نظر و عقیده آزادند. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ...» (بقره/۲۵۶)؛ در قبول دین، اکراهی نیست. در جای دیگر می‌فرماید: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ، وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ، وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ، وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ، لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينُكُمْ» (سوره الکافرون)؛ بگو ای کافران: من آنچه را که شما می‌پرستید، نمی‌پرستم. و شما نیز معبود به حق مرا عبادت نمی‌کنید. و من به آن صورت که شما عبادت می‌کنید، عبادت نمی‌کنم و شما نیز به مانند من عبادت نمی‌نمایید، دین شما برای خودتان و دین من نیز برای خودم.

۹-۲. ملاحظه توان بشر:

تکالیف و احکام قرآن تماما در حد و توان بشر و برای او آسان است: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...» (بقره/ ۲۸۶)؛ خداوند هیچ کس را، جز به اندازه تواناییش، تکلیف نمی‌کند.

۳-۹. برابری همه انسان ها:

انسان ها همه برابرند و ملاک برتری تقواست؛ قرآن با تشریح این ماده، تمام برتری ها و فزون طلبی را از ریشه برمی‌کند و تنها دانش و پرهیزگاری را ملاک فضیلت و برتری قرار می‌دهد (اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان، ص ۸۳) «يَأْيَهُ النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/ ۱۳)؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست خداوند دانا و آگاه است.

۴-۹. عدالت در معاملات:

خداوند می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود»؛ (مائدة: ۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید: هرگاه با کسی پیمان بستید، به آن وفا نمایید. در جای دیگر می‌فرماید: «و أوفوا بعهد الله إذا عاهدتم و لا تنقضوا الأیمان بعد توکیدها»؛ (نحل: ۹۱)؛ هنگامی که با الله عهد بستید، به آن وفا کنید و بعد از آن که عهد و پیمان را محکم نمودید، آن را نقض نکنید. همچنین می‌فرماید: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَىٰ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»؛ (البقره: ۲۷۵)؛ کسانی که ربا می‌خورند، بر نمی‌خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس او را آشفته کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: داد و ستد، مانند ربا است؛ حال آن که خداوند داد و ستد را حلال و ربا را حرام گردانیده است. در جای دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا.»؛ (البقره: ۲۸۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، هرگاه به قرضی تا سررسید معین، با یکدیگر معامله نمودید، آن را بنویسید. باید نویسنده ای بر اساس عدالت میان شما بنویسد و هیچ نویسنده ای نباید از نوشتن خودداری کند؛ همان گونه که خداوند او را آموزش داده است. و کسی که بدهکار است باید املاء کند و او بنویسد. واز خداوند که پروردگار اوست بترسد واز آن چیزی نگاهد.

۵-۹. وجود قوانین مربوط به احوال شخصی:

مجموعه ای از اصول عادلانه ای است که بر اساس احوال شخصی انسان در خانواده پایه گذاری شده است. اسلام برای آن نظام کاملی را به طور مفصل که شامل: مسائل ازدواج، طلاق، بارداری، عده، شیردادن و شیرخوارگی، نفقه، میراث و حقوق فرزندان و اقوام می باشد، قرار داده است، و در احکام کلی، آن چنان وسعتی وجود دارد که مجتهد می تواند از آن قابلیت استفاده کند و احکامی را متناسب با زمان ها و مکان های متغیر استنباط نماید.

۶-۹. وجود قانون جنائی (کیفری):

به حق بزرگ ترین دلیل بر عظمت و بزرگی قرآن، تشریح برای پیشگیری از جرم و جنایت می باشد. سختگیری های تصویب شده در قوانین اسلامی چنان با ظرافت طرح ریزی شده که همه جوانب عدالت و حکمت و رحمت را شامل است؛ به گونه ای که در ضمن منع کردن از انواع تجاوزها، امنیت و آسایش را برای بندگان خداوند به ارمغان می آورد. (۳)

نتیجه گیری:

در تعریف اعجاز بیان شد که از ماده عجز به معنای ضعف و ناتوانی است و از گفتار شگفت انگیز و جالب توجه و یا امر خارق عادت می که به وسیله مدعی مقام نبوت به منظور اثبات ادعای رسالت همراه با تحدی و دعوت به مبارزه طلبی انجام می گیرد. قرآن کریم در معرفی پایه های شریعت اسلامی این چنین می فرماید: وجود تکالیف به اندازه توان بشر، همگانی بودن قوانین، وجود رخصت ها، کمی تکالیف، تدریج در احکام، حرکت کردن بر مبنای مصالح عامه و سایر موارد.

قرآن کریم در تشریح اصول و قوانین فردی و اجتماعی آیات متعدد در موضوعات مختلفی را بیان کرده است، از جمله: اصل عدالت و امانت، اصل کلی امر به نیکی ها و نهی از زشتی ها، اصل مقابله به مثل در برابر متجاوزان، اصل مساوات و برابری و تعیین معیار امتیاز، اصل نفی هر گونه استبداد، اصل عدم سلطه کافرین بر مومنان، اصل شدت در برابر کافران و رحمت در برابر مومنان، اصل صلح و اخوت، اصل توصیه به وحدت، اصل بهره برداری از نعمت های الهی، اصل وفای به عقود، اصل نفی حرج، اصل تکلیف به قدر طاعت، اصل پذیرش اختیاری دین و امثالهم. همچنین نمونه هایی از اعجاز تشریحی قرآن کریم می توان به «آزادی عقیده و دین»، «ملاحظه توان بشر»، «برابری همه انسان ها»، «عدالت در معاملات»، «وجود قوانین مربوط به احوال شخصی»، «وجود قانون جنائی (کیفری)» و امثالهم اشاره نمود.

۳. محمد اسماعیل ابراهیم، به آدرس ۳.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم.

- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق، چاپ سوم.
ارسلان، شکیب؛ تاریخ فتوحات اسلامی، ترجمه علی دوانی.
اعظم شاهد، رئیس؛ اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶، چاپ اول.
خالصی، محمد جواد؛ بحثی درباره اعجاز قرآن کریم، بینات، سال سوم، شماره ۱۲.
دشتی، سید محمود؛ دائرة المعارف بزرگ قرآن کریم، مدخل اعجاز قرآن/تشریحی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵ هـ چاپ اول، ج ۳.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق، چاپ اول.
سفیانی، عابد؛ مقاله ی الإعجاز التشریحی قاعدة لاستمرار عملیة الاجتهاد، سی دی مکتبه الشامله، مجله بیان، شعبان ۱۴۱۰ هـ سال چهارم، ص ۲۲.
سیوطی، جلال الدین؛ الاتقان فی علوم القرآن، قم، ذوی القربی، ۱۴۲۹ ق، چاپ دوم.
صانعی، سید مهدی؛ مقاله ی اعجاز تشریحی قرآن، مجله: مطالعات اسلامی، شماره ۶۰، تابستان ۸۲، ص ۵۷.
طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیرالقران، قم، جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق، چاپ پنجم.
طریحی، فخر الدین؛ مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش، چاپ سوم.
فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین، قم، انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ ق، چاپ دوم.
مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
مطهری، مرتضی؛ خدمات متقابل اسلام و ایران.
معرفت، محمد هادی؛ التمهید فی علوم القرآن، قم، موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۸۶ ش، چاپ اول.
مهیار، رضا؛ فرهنگ ابجدی عربی- فارسی، بی تا، بی جا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی